

از تاریخ نگاری تا تاریخ نگری

سید کاظم روحانی

و قایع تاریخی است، ولی بی ارتباط با هم، هم نیستند. زیرا نوشتمن تاریخ بدون داشتن نگرش و یا دید تاریخی ممکن نیست، به همین دلیل آثاری که به وقایع نویسی صرف قناعت نموده و از تحلیل حوادث دوری جسته‌اند، خوانندگان چندانی بدست خواهند آورد.

بدیهی است در قلمرو روش تحقیق در تاریخ، ملاحظه تاریخ نگاری با تاریخ نگری، سخت ضروری است. اگر چه گروهی کار مورخ را ضبط و قایع می‌دانند نه تفسیر یا قضاؤت. یعنی گروهی براین نظرند که عنایت و یا تمایل به نگرش تاریخی، مورخ را از بیطوفی بازداشته و یکسونگرانه به حوادث تاریخی خواهند نگریست. بدون شک با توجه به توسعه و گسترش علوم و خصوصاً پیشرفت بینش‌ها و اندیشه‌ها در قلمرو تاریخ و تاریخ نگاری، اتکال و یا اتكاه به وقایع نگاری محض، آب در هاون کوبیدن است و وافی به مقصود نیست.*

نباید از یاد برده مناظره و تفحص در ساحت تحولات تاریخی و ارائه نگرش و بینش‌های

* حرکتی به عنوان عدم مسئولیت مورخ در برای حادث،

کلیات تاریخ ایران
از آغاز تا مشروطه با ذکر اسناد و مأخذ آن

تألیف
دکتر عزیزالله بیات



مرکز تحقیقات کاپتوک علوم انسانی

بهار ۱۳۷۰

اگرچه تاریخ نگاری و تاریخ نگری دو مقوله جدا از یکدیگرند و یکی به معنی نگارش و تدوین تاریخ و دیگری حوالت و عنایت به تاریخ به معنی تفکر تاریخی و براساس بینش و جهت و تبیین جریانات و

نموده بلکه سبب ملالت و کسالت خواننده هم خواهد شد و به همین دلیل اکثر کسانی که از تاریخ بیگانه‌اند و یا نا آشنا و احتمالاً کم علاقه، به جهت تصور غلطی است که از تاریخ دارند و با این گمان که تاریخ را فقط شرح حوادث و یا احوال پادشاهان و بیان جنگها و لشکرکشیها می‌دانند. متأسفانه نه فقط این اندیشه در میان علوم ساری است بلکه برخی از نویسنده‌گان هم به گمان اینکه تاریخ فقط ذکر احوال پادشاهان و یا سلسله‌است به این اندازه کفايت نموده و از کنار جریانات و تحولات تاریخی و اجتماعی به تساهل و یا مسامحه گذشته‌اند.

کتاب کلیات تاریخ ایران^(۱) یکی از اینگونه آثار است که هیچ‌گونه دقت و یا ممارست در تدوین آن براساس ضوابط علمی دقیق تاریخ نگاری به عمل نیامده و بلکه از جوار بسیاری از وقایع به سادگی گذشته است و نه در تقسیم‌بندی ادوار تاریخی، روش همسانی اتخاذ گردیده و نه در بیان وقایع و برخلاف آنچه در مقدمه کتاب تحریر یافته نه به تسبیح حوادث پرداخته شده و نه ارجاع مأخذ و منابع در پانویس‌ها، براساس اصول دقیق

گونه‌گون نسبت به حوادث تاریخی بدون غرض ورزی و یا تحریف، خود سبب تضارب و تعاطی افکار و آراء خواهد شد.

قریب به اتفاق منافع تاریخی باز مانده از گذشته یا پادشاه نامه است و یا تبارنامه سلاسل‌ها و خانواده‌ای که در این آب و خاک حکومت نموده‌اند و بدیهی است اینگونه آثار مشحون از ذکر و بیان حوادث است، بی‌هیچ تحلیل و یا تبیینی. این وقایع نویسان درباری به ندرت فرباد خلائق را از مظالم شاهان در نظر گرفته‌اند و تحقیق در این پی داد نامه پادشاهان در تاریخ ایران و ستمی که به مردم روا داشته‌اند بخشی از مطالعه تاریخ اجتماعی ماست.

جای تأسف است که بسیدادگری پادشاهان در تاریخ ایران آنگونه که شایسته وزینده این روز و حال است بازگویی نشده و گواه صادق در این خصوص احاطه اخلاقی دیرینه است که در اثر ظلم و اعتساف پادشاهان بر جامعه ایرانی حکم روا بوده است. *

بدون تردید، آثاری که به وقایع نگاری محض اشارت دارند در میان خواننده‌گان جاذبه‌ای ایجاد

زیور طبع آراسته نگردیده است. استاد فلسفی از تبار احرار و آزادگان و بیت علمی گرانستگ این آب و خاک بود. افسوس سرانجام حیات حسرت‌زای استاد و ندانش عقبه‌ای تحدودی وی را این اوخر از کار و تحقیق بازداشتے بود. خدایش رحمت کند استادی بود فرزانه و خلبان که قبیل از هرچیز به شاگردانش آزادگی آموخت و این کمترین قلم، سالها و سالها از محضر فیاض وی بهره جست، اگرچه اخیراً یکی از نویسنده‌گان با نوشتن مقاله‌ای سطحی در باب استاد، قلب شاگردانش را بشکست که گفتگانه خودشکن آشینه شکستن خطاست.

احتمالاً از قرون جدید در اروپا مطرح شده و زمانی که روشنفکران دینی علیه خرافات و اتیکان دست به قیام اعتقادی زدند و بعد از نویسنده‌گان عصر انقلاب فرانسه در تعاقب این جریانات و مسئله انصصال شریعت از حکومت، عنایت و یا گرایش مورخین را به تفکر و یا جریانات دینی نوعی واپس گرایانی دینی تلقی نموده که از عصر مشروطه اثرات منفی این حرکت، در ایران هم مشهود بوده است که در این مقاله، مجال بحث و نظر آن نیست.

* کتاب تاریخ تملق در ایران، اثر استاد فقید ناصرالله فلسفی در باب همین احاطه اخلاقی است و کتاب هنوز به

کتاب‌شناسی است که همه این نکته‌ها همراه با یادآوریهای دیگر با ذکر شواهد در ادامه این مسودات بباید. به این امید در چاپ‌های بعدی مورد ملاحظت قرار گیرد.

نوشتن اثری نو در کلیات تاریخ ایران و یا تاریخ عمومی ایران، معمولاً کاری است سهل‌الممتنع از آن سوی که نویسنده نمی‌تواند تاریخ پر باریک مملکت را با توجه به گذشت‌حوادث و وقایع در اثری و یا صفحاتی چند محدود سازد تا خواننده علاقمند به تاریخ بتواند از آن سود جوید. نویسنده‌گان و تاریخ نویسان، این آب و خاک در گذشته نه چندان دور به این مهم دست یازیده و با نوشتن آثاری چند در زمینه‌های تاریخی، تا حدودی خواسته علاقمندان به تاریخ را برآورده نموده‌اند.^(۲)

اگر این شیوه ایجاز ویا اختصار گرایی نتواند وافی به مقصود باشد، کار انجام شده عبث و بیهوده خواهد بود. چه نوشتن تواریخ عمومی و کلی، قواعد و قوانینی دارد که باید ملاحظه گردد که اهم آنها اشراف به کلیت جریانات تاریخی است برای اینکه اهداف و انگیزه‌های ناشر و مؤلف در تألیف این اثر روش تر گردد عین مسوده بخش انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و مؤلف ذکر می‌گردد که تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجله.

«نخستین قدم در راه آموختن تاریخ جمع آوری اطلاعات تاریخی است. امری که به ظاهر آسان می‌نمایاند، ولی از اهمیت فراوانی برخوردار است، کلیات تاریخ ایران علاوه بر آنکه مجموعه اطلاعاتی از تاریخ ایران را گرد آوری نموده است تصویر اجمالی از تاریخ آن از زمان تأسیس دولت ماد به

عنوان نخستین دولت آریایی نیرومند داخل فلات ایران تا اواخر دوره قاجاریه که با نهضت مشروطیت جامعه ایران وارد عصر کامل‌جديدة می‌شود بدست می‌دهد. تصویری که با توجه به کمبود وقت جامعه کتابخوان امروزی از اختصار متناسبی نیز برخوردار می‌باشد.»^(۳)

و به اطلاع خوانندگان محترم خواهد رسید که این «تصویر اجمالی از تاریخ ایران» همراه با اختصار متناسب تا چه حدودی عطش خوانندگان علاقمند به مطالعات تاریخی را بر طرف می‌سازد. و ضمناً بی‌فاایدت نیست یادداشت مؤلف کتاب هم جهت اطلاع آورده شود:

«تاریخ طومار اعصار گذشته و دیوان اخبار بشر از روزگاری است که انسان به هنر نویسنده‌گی و فن کتابت پی برده است. بشر از هزار سال پیش از اختراع خط، حوادثی بر او گذشته بود در بین خود سینه به سینه نقل می‌کرد که آن اخبار شفاهی هم چنان از اسلام به اخلاف می‌رسید و از نسلی به نسلی منتقل می‌گشت. در حقیقت در آن ایام منابع تاریخی را خاطره اشخاص و نقل قولها تشکیل می‌داد که در حال حاضر استناد به این منبع چندان مورد اعتماد نیست. به همین جهت، دیگر در مطالعه تاریخ، تنها به نقل وقایع گذشته اکتفا نمی‌شود بلکه مورخ بیشتر به کشف علل و موجبات حوادث تاریخی توجه دارد، یعنی با این دید، تاریخ هم مانند سایر علوم سعی دارد به اینکه از موارد جزئی خود را به قوانین کلی برساند»^(۴) آیا در تحریر کتاب کلیات تاریخ ایران، به کشف علل و موجبات حوادث تاریخی و عدم اکتفا به نقل وقایع عنایت شده است؟ یا مطالعه کتاب نامبرده و

تحقیق در تاریخ آمده است و ظن نگارنده این است که بخش مربوطه از کتاب مفید تحقیق در تاریخ دکتر قائم مقامی گرفته شده باشد.^(۷)

۳- در فصل اول در ذکر احوال مادها، هخامنشیان، سلوکیهای اشکانیان، منابع و مأخذ این دوران عیناً با فصل اول کتاب منابع و مأخذ تاریخ ایران در دوران سلسله‌ای ماد و هخامنشی مطابقت دارد^(۸) و تبیین است منابع تاریخ اشکانیان با بحث تاریخ اشکانیان در آثار نویسنده‌گان، روسی و ارمنی.^(۹)

۴- بحث مربوط به تاریخچه باستان شناس تا حدودی زائد به نظر می‌رسد.^(۱۰)

۵- در فصل‌های مربوط به تاریخ ۵۰۰ هزاری اسلامی به صرف روایت و قایع سیاسی و بدون هیچگونه تفسیر و تحلیلی اکتفا گردیده است.

۶- با آنکه در کتاب تأکید به تحلیل و قایع نه عنایت صرف به رویدادها شده، چند تکته برای نمونه آورده می‌شود تا خوانندگان خودداری کنند.

الف: سال تأسیس سلسله غزنوی را سال ۳۵۱ هجری آورده‌اند بدون هیچگونه برهان و حجتی، خواننده اگر دانشجوی تاریخ هم باشد می‌پرسد به چه دلیل سال تأسیس غزنویان سال ۳۵۱ هجری است؟ آیا به جهت آغاز حاکمیت غلامان ترک که نه امیر بودند و نه سلطان؟ یا سال تصرف طخارستان؟ خوانندگان به صرافت در خواهند یافت سال ۳۵۱ سال تأسیس سیاسی حکومت غزنویان نیست و ضمناً سبکتکین، مؤسس سلسله غزنویان هم در سال ۳۶۶ به امارت بلخ رسیده است نه سال ۳۵۱. ضمناً تمامی بخش غزنویان محدود به ۱ صفحه است.

نکات یاد شده در ذیل، قضایوت و داوری بسا خوانندگان اندیشمند است.

کتاب دارای یک مقدمه و هفت فصل است. روش کار مؤلف محترم اشاره به منابع و مأخذ و همچنین توجه به تاریخ سیاسی آن دوره‌است، این یادآوری کاملاً ضروری است که در تبیوب و تنظیم فصلهای کتاب، رعایت موازین علمی نشده است. مثلًا در بخش پیش از اسلام، یعنی فصلهای اول و دوم کتاب براساس تداوم سلسله‌ها تقسیم شده، مانند: فصل دوم ساسانیان، اما در قسمت دوره‌های اسلامی براساس قرون و ادوار، و در حقیقت نوعی تناظر مشهود است.

به عنوان مثال، فصل چهارم از اواخر قرن چهارم تا اوایل قرن هفتم هجری و برخانندگانه معلوم نشد که چگونه ملاحقات کتاب هم جزء فصول کتاب آورده شده که تحقیقاً روش مصائب نیست. و یا اگر اخیراً چنین روشی در کتابداری مطرح گردیده نگارنده بی‌اطلاع است.

کاستیها و نواقص علمی در تالیف کتاب زیاد است. نگارنده فقط به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کند تا شاید نویسنده محترم در چاپهای بعدی با ذکر امانت به دیده عنایت بنگرند.

۱- در کتاب اشاره به نگرش مادی و معنوی در تاریخ نگاری شده که فقط در حد یک اصطلاح ذکر شده است و بهتر بود با تقدیم این دو روشن در فصلی مستقل و جدا، خواننده به ابعاد و مشکلات و شیع تاریخ نگاری آشنا می‌شد.^(۱۱) و گذشته از آن، این مطالب عیناً در کتاب شناسایی منابع و مأخذ تاریخ ایران از آغاز تا سلسله صفویه از همین مؤلف آمده است.^(۱۲)

۲- در بخش مقدمه، بحثی درباره روش و مرائل

ب: احتمالاً اکثر اطلاعات مربوط به منابع این دوره برگرفته از کتاب تاریخ ادبیات ایران تالیف استاد عالیقدر دکتر ذبیح‌الله صفا و کتاب دائم‌المعارف فارسی از استاد مصاحب می‌باشد.
ج: در مبحث مربوطه اصلًا به تقسیم درست و صحیح منابع توجه نشده است و نیز به سال تولد و یا وفات مورخین. (۱۳)

۱- بخش کتابشناسی کتاب فاقد دقت کافی است که به چند نمونه اشاره می‌شود:
الف: سفرنامه کلاویخو مشخصات ندارد. (۱۴)
ب: ارجاع به فهرست کتابخانه سلطنتی سابق و منحله، تألیف خانم دکتر بدیری آتابای شماره صفحه ندارد. (۱۵)

ج: نحوه کتابشناسی براساس قواعد علمی نیست مانند تاریخ نظم و نشر در ایران و در زبان فارسی تألیف سعید نفیسی، ج اول. (۱۶)
۱- اشاره به تاریخچه تحولات نشر فارسی ارتباطی به کلیات تاریخ ایران ندارد بلکه مربوط به تاریخ تحول نشر فارس است. (۱۷)

به هر حال کتاب از فهرست مفصل اعلام کسان و مکان مشحون است که البته مراجعه به آنها بی‌فایدت نیست.

بخش منابع و مأخذ کتاب تا عصر صفویه عیناً همان مطالبی است که در کتاب شناسایی مأخذ تاریخ ایران بعد از اسلام آمده، بدون هیچگونه تجدید نظر در مطالب آن.

متأسفانه باید گفت کتاب کلیات تاریخ ایران عجولاً نه تألیف شده و فاقد هرگونه منزلت و وثاقت علمی است. و مراکز انتشاراتی دانشگاهی باید

ب: در ذیل خاندان غزنیان از آنها به عنوان امیر یاد شده که غلط فاحش تاریخی است، همه می‌دانند خلف بن احمد اولین کسی بود که به محمود لقب سلطان داد و لقب سیاسی و متعرف خاندان غزنی سلطان است نه امیر.
ج: از غزنیان آپ تکین در کتاب یاد گردیده. باید پرسید در کدام استاد تاریخی این کلمه بکار رفته است. اصولاً دوره فرمانروایی غلامان از آپ تکین تا سبکتکین اگرچه جزء مقدمات تاریخ غزنیان است اما به معنی بنیان سیاسی این سلسله مطرح نیست.

۲- بخش تاریخ امپراطوری سلجوقیان فقط به ۲۶ صفحه آن هم به ذکر روایات سیاسی محض در احوال سلاطین این سلسله فناوت گردیده و آن را تحلیل و تعلیل وقایع نام نهاده‌اند.

۳- بخش سلسله صفویه هم خلاصه شده به ۹ صفحه در کتاب (۱۸). و همچنین سال تأسیس سلسله صفویه سال ۹۰۵ ذکر شده که اشاره درست‌تر آن سال ۹۰۶ یا ۹۰۷ هجری قمری است و مهم‌تر اینکه سال سقوط سلسله صفویه سال ۱۱۴۸ هجری یاد شده که در حقیقت سال تاج گذاری و اعلان حکومت نادرشاه افشار در دشت مغان است. البته این نکته با تنافقی همراه است یعنی اینکه احوال پادشاهان صفویه تا شاه طهماسب دوم سال ۱۱۴۵ هجری قید گردیده است. (۱۹)

۴- اما مبحث مربوط به فصل ششم کتاب یعنی از صفویه تا مشروطیت.
الف: اینگونه تقسیم بندی عجولاً نه در باب ادوار تاریخ ایران بر صواب نیست.

در تدریس تاریخ در مراکز و مؤسسات آموزشی، در تألیف کتاب دقت و صرافت و وسوس اعلمی از خود نشان نداده‌اند.

توجه و اشراف کامل به آثار و مطالب منتشره داشته باشند که خدای ناکرده خسaran دنیا و آخرت در آن نباشد و مؤلف محترم علی‌رغم ممارست طولانی

حوالشی، تعلیقات و استدراکات

۶- عزیز الله بیات، شناسائی مأخذ تاریخ ایران، ج ۱ ص ۱۷-۱۶.

۷- کلیات تاریخ ایران، از صفحه ۴ به بعد.
۸- همان مأخذ، ص ۸ به بعد، مقایسه شود با کتاب شناسائی مأخذ تاریخ ایران، ص ۱۳.

۹- همان مأخذ، ص ۳۳، مطابقت شود با صفحه ۲۹ کتاب‌شناسائی مأخذ تاریخ ایران، ج ۱ و همچنین مطالب صفحه ۲ کتاب کلیات تاریخ ایران با صفحه ۶۴ کتاب شناسائی مأخذ تاریخ ایران کاملاً مطابقت دارد.

۱۰- مأخذ یاد شده، ص ۱۲-۱۳.

۱۱- همان مأخذ، ص ۴۶۷ تا ۴۷۶.

۱۲- مأخذ یاد شده، ص ۴۷۵.

۱۳- همان مأخذ، ص ۴۳۱-۴۴۶.

۱۴- همان مأخذ، ص ۴۳۶.

۱۵- همان مأخذ، ص ۴۱۴، و چنین است عدم ذکر مشخصات کتاب خاطرات و استناد ظهیرالدوله در صفحه ۲۹ کتاب.

۱۶- همان مأخذ، ص ۳۹۴.

۱۷- مأخذ یاد شده، ص ۵۲۳، به عنوان نمونه: نشر دوره فارسی، ص ۵۲۶، غزنوی ص ۵۲۷، نثر فارسی از صفویه

تا مشروطیت، ص ۵۳۴.

۱- عزیز الله بیات، کلیات تاریخ ایران از آغاز تا مشروطیت با ذکر اسناد و مأخذ آن، تهران، مؤسسه مطالعات و انتشارات

تاریخی میراث ملل، ۱۳۷۰، ۶۳۳ صفحه.

۲- در این زمینه به عنوان نمونه آثاری که در خصوص کلیات تاریخ ایران نوشته آمده ذکر می‌شود: عباس اقبال

آشتیانی، کلیات تاریخ تمدن جدید، طهران، ۱۳۲۵ شمسی.

اسمعاعیل دولتشاهی، کلیات تاریخ عمومی، تهران، ۱۳۴۰.

دکتر حسینعلی مفتحن، کلیات تاریخ عمومی، تهران ۱۳۴۹

شمسی. محمد حسین فروغی، تاریخ مختصر ایران، ۱۳۲۳

قری؟ رضا پاروکی، تاریخ ایران از مغول تا افشاریه، تهران ۱۳۱۶.

عباس اقبال، تاریخ ایران از صدر اسلام تا استیلاه مغول، تهران، ۱۳۳۱ شمسی، و چنین است کتاب تاریخ

مختصر ایران تأثیف پاول هرن ترجمه استاد رضازاده شفق، وحسن تقی زاده که خیانت وطن فروشی و خدمت به استعمار

انگلیس او اظهر من الشمس است کتابی دارد به نام از برویز تا چنگیز، کتاب اگر چه بر اختصار و ابجاز است ولی از وزارت

نسبی تألیفی برخوردار است.

۳- عزیز الله بیات، کلیات تاریخ ایران، سامشخصات یادشده، بخش یادداشت ناشر.

۴- مأخذ یاد شده، مقدمه مؤلف، ص ۳ و ۴.

۵- همان مأخذ، ص ۶.